روابط سیاسی و مذهبی فاطمیان و زیریان: رهایی دعوت خلافت فاطمی در عصر مزیری

حبيب زمانی محجوب
حسن زندیه

چکیده

حکومت بی‌زیری، نخستین حکومت مغربی خالصی است که بر اساس از ورود اسلام در افریقیه و بخشی از مغرب میانه تا به نهایت هزاره پس از تأسیس حکومتشان (۱۴۳۲ ه.) فعالیت داشتند. زیریان از زمان تأسیس حکومتشان (۱۴۳۲ ه.) تا سال ۴۳۰ هجری پیرو دعوت فاطمیان بودند، اما تعداد بادیس در این سال حکومت زیریان را از فاطمیان مستقل ساخت. در این نوشته، ضمن بیان جگنگی به قدرت رسیدن زیریان به دور سوال اصلی پاسخ داده می‌شود:

روابط سیاسی و مذهبی بین زیریان و فاطمیان چگونه بوده است؟
چرا زیریان در عهد معمول بادیس، دعوت فاطمیان را رها کرده و یا قبل مذهب اهل سنت، خلاف به نام عباسیان خوانندند؟

واژه‌های کلیدی: بی‌زیری (زیریان)، معمول بادیس، افراطی، فاطمیان.

* zamani1358@gmail.com
* hasan_zandieh@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران.
مقدمة

فاطمياناً في سلسلة 247 هجريًا واكتمالها في عهد إبراهيم الله شيخو في المغرب به قدرت سيدنا و نال سلال 242 هجريًا في أفريقيا و المغرب حكم رايندان. في ابن دونا مماثيلات اجتماعي و مذهبي بسياري خلافة فاطمييناً را تهديد مك. تمدد، جهار مخليفة فاطمييناً و آخران آنها في المغرب، به باري دو سردار بزرگ خود جوهر سيسلي و زرني، من مدن صناعيات، توامست مماثيلات خلافة فاطمييناً را في شمال أفريقيا مركوب كند (تك: ابن خلدون، بي. تا: 153/6/4، ابن إي بابان، 1996). سيسس وي تضمن گرفت رهبار مصر شدو و دانیا قدرت فاطمييناً را في آنها گنشش دهد. او پیش از حرکت به مصر، گلگینن زریئ را به سمت نامیا، خود در مغرب منصب کرد (این انتشارات: 1996/06/21/04، قریشی، تا: 143/45) و بين تریب، زرینی گشت در تلت در حكومت فاطمييناً في مغرب نقش مهمی داشت، به عنوان نخستین خاندان اصلی مغرب به فرانزاروی افريقيه رسیدند.

ابوالقلی بن زریئ، نخستین حاکم دولت زریيان در افريقيه بود. وی دستگاه حكومت زریيان را سامان بخشید و پا شورشیان ضد فاطمييناً در مغرب بهشته پیکار کرد. پس از يوسف زریئ، فرزندش منصور زمام امور را به دست گرفت و او زرد و بیستمادار دولت صناعی است که سیاست از مماثلات اجتماعی آن را از نهاده به در کرد (این خلیل، 1990: 177) و زمینهای آرامش و رشد حكومت زریيان را فراهم ساخت. با گرفت منصور به سال 382 هجري، فرزندش پادیس جانشین وی گردید. مهم ترین حادثه دوران حكومت پادیس، انفکاک میان خاندان حاکم (زریان) و به قدرت سیدان عموزاده آنها به نام بی خفادار در مغرب مانده بود (ابن خلدون، بي. تا: 153/6/4).

روابط فاطمیان و زریبان یا دوران معز
آغاز روابط فاطمیان و زریبان به ارتقاء میزان فاطمی (میلادی ۳۴۵) با زریبان، زناد میانجامی باز
می‌گردد. از آنجا که فاطمیان، حکوکی شیعی مذهبی بودند، طبیعی بود که با مخالفت‌ها و
نارضایتی‌های سیاسی از سوی مسلمانان، بخصوص زریبان، بحران‌هایی بپنجاهم‌آورد. با این‌حال، مدعیان مدعیان، به تنها بودنش قدرت
نظامی برای سرکوب سیاسی و فلسفی بودند و دست به دانان قابل منطقه هم‌بند و از
آن‌ها در فرو پیش‌برداری شورش‌ها بهره بردند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌های قبیله‌ای، زریبان
صنف‌بندی سیاسی که نقش خرد، و در سرکوب شورش‌های مشهور از میانه آفریدند (HRB 172؛

نخستین همکاری جدی زریبان با فاطمیان در جریان سرکوب شورش ابوزید، مخالبین کرد.
نگاره‌ای بود. شورش ابوزید، مهم‌ترین مشابه در مغرب میانه بود که جنگ سال (۳۳۳ میلادی)
(1981: ۱۹۸) ۳۲۶ ق). طول کردن و به دلیل نارضایتی عمومی از فاطمیان با استقبال گسترده‌ای از سوی اهالی
رومی و شد (سال: ۱۹۸۱: ۶۱۲-۶۱۳).

ابوزید از رهبران اباضی مذهب قابل قبول یافته‌ای بود (ادرس عمار الدين، ۱۹۸۵: ۱۷۷) و بر
مرگ عبیدالله بیشتر (۲۴۷-۲۴۸ ق) با همراهی بسیاری از ابررهای منطقه، ضد خلافت فاطمی
اعلان جنگ کرد. خلیفه القائم به الله (۲۲۴-۳۳۴ ق) از زریبان و، مدعی منازعه نمود. زریبان
منابع اخباری از این زریبان، که در قلعه اشری قدرتی بر هم زد، به دخواست القائم پاسخ مثبت داد
(ابن عمار، پناه‌نامه: ۲۹۳-۲۹۳، نویس: ۱۹۸۴: ۱۹۸-۱۹۸) چرا که وی از گروه قابل قبیله‌ای و خوارج
اباضی و صفری که به ابوزید پیوسته بودند، می‌ترسید و بر این هدف بود که قلعه اشری را به عنوان

۱. یافتن یکی از طوابع زناد بود که از دوست‌مان سرکوب شیب سناجی به شهر می‌آمد.
بنی زیری، نمایندگان خلافت فاطمی در افیریقه

فاطمیان بر اساس سال (۳۶۱ - ۳۷۹ ق) بر افیریقه و مغرب حکم راندند؛ اما وقتی فهمیدند جایگاهی در بین مردم سنی مذهب منطقه ندارند و از سوی دیگر مجمورده همواره با قابلیت بربر و همچنین دولت نبوی‌نماد امپراتور اندلس در شیرین گردید، سرزمین مغرب را ترک کردند.


بنی نماینده دیگر، می‌تواند به ترتیب، برای تخمین‌هایی در مورد ایالات مغرب، حاکم یک


۲. شرکت اصلی خلفیه المعز این بود که زیریان به عنوان پیر افراطیان و نماینده خلافت زمام امور در افیریقه به دست گرفتند.

دولت اسلامی بزرگ شد (مونس، 1384: 123). معز نام بلکین را (یوسف، کتبشی، یا بی‌الفتح) و لقبش را (سفیدالدوله) نهاد (ابن خلدون، بی‌نا: 155) ادیرس عمامالدین. 1385: 717.
معز فاطمی پس از آنکه امیر افغانی را به بوسف زیری سپرد، به امیر متور داد برای کامل کردن سیاست فاطمیان بر مغرب میانه و یافتن داده به آنجا و همچنین سرکوب شورش ببرهای زنانه، از حمله به مغرب میانه دست برندارد (ابن اثر: 1385: 425 ادیرس عمامالدین. 1385: 717. فاطمیان با زیرکی تمام، زیربان را سر بیل خود در مقابل شورش ببر نمودند. به نظر می‌رسد این مساله در واگذاری حکومت افغانی به آنها بی‌تأثیر نبوده است؛ چرا که تنها نیتی زیربان در سرکوب مخالفان و شورشیان - به ویژه پس از شورش ببریزید. برای فاطمیان آنکه بی‌زوگ‌زده بود (ادیرس عمامالدین. 1385: 425). بوسف زیری که مطلع خلافت فاطمی بود، برای آنکه به خلیفه فاطمی ثابت کند شایستگی و ادغاداری منصب حکومت افغانی را داشته است، با عزم راک و خشونت سیاسی به مقابله با شورش‌های مغرب میانه و گسترش حکومت خود پرداخت (ابن اثر، 1385: 717. 1386: 624. 1385: 717. این خلدون، بی‌نا: 156) تا آنکه در این راه جان سپرد.
با به قدرت رسیدن زیربان، تحول داخلی بزرگی میان قبایل ببری 3 منطقه روی داد و آتش مقاومت‌های قبیله‌ای به ویژه میان صنف‌هایان و زنانیان در سراسر مغرب افزوده شد؛ (نک: ایبایر، 1385: 717.)

1. خشونت می‌بلکین و وحشت شورشیان از آنها به اندازه‌ای بود که کاهش خیال نمی‌شدند و حتی هنگامی که می‌مرد، نهایت زنان برای خاک سپاری حضور می‌یافتند (ابن عماری، 1386: 717).

2. به نقل ابن خلدون و در بارگشتی از یکی از پیکارهایی که با شورشیان زنانه داشت، در ناحیه میان سپه‌سالار و تفسیری به قتل رسید. ابن خلدون، بی‌نا: 156) و لی بیان خلدونان دست که وی تردید افغانی و به دلیل بیماری درگذشت (ابن خلدونان، بی‌نا: 156.

3. قبایل ببر مغرب و بزرگی م��ک بریده و صحرای سر به ایتار، و بیرهای شهوت‌نشی معروف به بردن. قبایل زنانه از بیرهای بریده و منابع نورونگی با شکار. کسانی از بیرهای بریده بودند، این سپیل ممکن در حواله‌های افغانی و مغرب به ویران آن زمان روی کار آمدند فاطمیان و در طول دوران حکومت زیربان افراد کردند. گذاشت، منابع از طرفداران مذهب شیعه و هواداران فاطمیان بودند و فاطمیان ناکه به نیروی این قبایل توافتند. با شکار طیاران فرانسیسکی در مغرب مقابل نمایند. دیگر قبایل مهم، زنانه بود که در مغرب میان سریک بودند و به حکومت حیات بدوی حاضر به پذیرش سلطنت هیچ قدرتی نبودند. از این رو در طول دوران حکومت فاطمیان و زیربان در مغرب از مهم‌ترین مخالفان آنان محسوب می‌شدند (نک: ابن خلدون، بی‌نا: 156).
جوانین یک‌لیک
پس از مارگریت بلکین در سال ۳۷۴ ق، فرزندش، منصور به قدرت رسید (ابن ابراهیم، ۱۳۶۷: ۹۷/۱); ابن عدایری (۱۳۵۹/۸/۲۷); وی با فرستادن نامه‌های و هدایای و گزاره، اطاعت خود را از خلیفه فاطمی العزیز بالله (۳۶۸ - ۳۸۵ ق) اعلام کرد. عزیز نیز حکم امور افربی و مغرب را به وی واگذار کرد (ابن عدایری، ۱۳۶۹/۶/۲۳). امیر زیری، پس از آنکه به قدرت رسید، بازی از سوی خلیفه فاطمی تأیید می‌شدند. تا حکومت آن‌ها مشروطه‌سازی و قبلاً از اطاعت آن‌ها اطمینان می‌پیدا کردند که حکم ولایت افربی را می‌فروستند.

روابط فاطمیان و زیربان پس از به قدرت رسیدن مز

پس از مărگ ٔبادیس، فرزندش، معز در سال ٧٣٧ ه. به جای او نشست. ١ (ابن ادیس، ١٣٤٩ ه.)
دنیا، پس از اینکه یک هزار سالگی و رکورد دارد که در این زمان مسلمانان و عرب در آن‌جا بودند، معز
ارسال فرانس و هدایاً او را مورد تأیید خود قرار می‌دادند. وقتی با پادشاه قدرت رسید، دوسته
سال نشست و عموهایش اداره امور را برعهده گرفتند. یکی از آن‌ها نام حکامی زیری با
مشاهده ضعف حکومت زیری، در سال ٥٠٥ ه. اعلام استقلال کرد و حکومتی مستقل به نام
بنی حمدان در کنار حکومت زیریان در مغرب می‌نهند گرفت (نک: ابن عداری، ١٣٤٩ ه.)
١٨۳، ۴/٦، ابن دیبان، ۱٣٤٩ ه.

ابن عداری و نوری سال به قدرت رسیدن معز را ٤/٧٦ (ابن عداری، ١٣٤٩ ه.)
اما ابن خلدون و مقریزی سال آغاز حکومت معز را ٤/٨٠ (ابن مقریزی، پی: تا: ۶/١۳۳، ۴/٦، ابن شاه به نظر مرسد و بی‌پیش، معز پس از سال ٤/٨۰ به حکومت رسیده است، چرا که حادثه کشتار شیعان افراطی در سال
۷۰۴ ه. در دوران حکومت او، رخ داده است.

۶۳

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س) /
نشانه‌های گرایش به مذهب اهل سنت در مزرآستان و بعد بر همی اساس سنیان قیروان چنان

جستاری یافته‌که در سال ۱۹۴۳ به کشتن شیعیان پرداخته. این اثر می‌نویسد:

سبب آن قتل عام این بود که روزی مزین با دیس قیروان سوار بر اسپید می‌گذشت،
به گروهی رسد و دریای آنها مسیر کرده. بی‌گنهنگ: «این را فرض می‌کردند و ابایک و عمر را
دشنام (سب)» می‌دهند. معنی گفت: «خدا از ابی بکر و عمر راضی باشد»، و آنها عروز کرد.
مردم بی‌درنگ به «درب المعلی» منتقل و آنها مكافای داد به کشتن در اینجا اجتماع
می‌ترکند و جمعی از آن را کشتند... در اثر آن دست عامل مردم در کشتار شیعیان گشاده
گردید و گروهی سیاسی از شیعه مذهبی کشته و به آتش سوختند و پس از آن در
سراسر افریقیه کشتار شیعیان صورت گرفت» (ابن اتیر، از ارسال، ۱۹۹۶: ۲۹۷-۲۹۸، ۲ مهری: ۱۳۵۷-۲)

ابن خلدون، بی‌تا: ۶۷۰، قاضی عباسی، بی‌تا: ۱۵۱۶-۲۶۲۵

۱۹۸۳-۱۹۸۴ (۱۳۶۲-۱۳۶۳) کتاب ۱۲۰۱-۲۰۰۱

به نظر نمی‌رسد سنیان به دستور معز شیعیان را به قتل رسانده باشند (5/181: ۱۹۹۳).

حتی به سرکوب شورشیان سنی مذهب‌پرداخت (قاسم عباسی، بی‌تا: ۱۶۴/۱۱، ابن خلدون، ۱۹۹۳: ۱۲۴-۱۲۵).
پس از آن خلیفه الحاکم برای او خلع و نامه فرستاد و به وی «شرف الدوله» لقب داد (ابن خلدون،
۱۹۹۳/۲۳۴۳)؛ ابن عدی، ۱۹۹۰/۵۱۲، ابن علی، ۱۹۹۶/۳: ۲۴۳-۲۴۴، ابن ضیاء، ۱۹۶۱/۱۷۲-۱۷۳). به نظر می‌رسد خشخم و دشمنی سنیان از
شیعان و ناساپاتی حکومت، سپس این تعریف شد است و بی‌شک تعداد سنیان شهر بیشتر از
شیعان بوده که به آنان جسارت داده در حکومت‌شان، پرونده مذهبی شیعیان را قتل عام نمایند.

دوران حکومت مزر حدود ۱۵ سال (۴۵۴-۴۶۰) به درازا انجامید. معز از اقتدار بالایی
برخوردار بود. دربار وی با استفاده از ثروت و منابع فرآیند افریقیه باشکوه و پرنشست بود. برخی
معتقدند مهیل عامل سبب اغوا معز شد و در اعلام استقلال حکومت زیربان از فاطمیان تأثیر
داشت (باسنورت، ۱۹۷۱: ۱۷۲; نوحی اردیس، ۱۹۴۰/۱: ۳۴۴). معز وقتی از ثبات اوضاع حکومت‌نشین اطمحان
یافت، با توجه به تقابل عمومی مردم افریقیه به مذهب اهل سنت، به تدبری برای بازگشت این

۱. ابن خلدون مشهور است دولت معز در افریقیه پرگذاری و باشکوه، پرده دو دست بر به‌هست (ابن خلدون، بی‌تا: ۱۵۱۶-۲۶۲۵).
فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س) / ۶۵

مذهب زمینه‌سازی کرد و استقلال از فاطمیان را فرآوری همت خویش قرار داد (ابن عذاری، ۱۲۸۲-۱۲۸۵): 

۱/ هنگامی که معز به فکر رها کردن دعوت فاطمیان افتاد، خلیفه الظاهر (۴۲۷-۴۲۸ق) و وزیرشان ابوبکر بن احمد جراحی نگیرید، زیاده معاونت این کاراگاهان، (ابن خلدون، بیان به: ۹۶۸-۹۷۱ق، آنان‌های امیدوار بودند، معز و در دانشگاهش از این رویه بار گذادند؛ این رو به تذکر و اخطار بسته کردند (همان، ۶/۱۵۴۹، ابی عبد اللہ، ۱۴۸۰/۱۴۸۴، ابی‌نیر، ۱۴۸۰/۱۴۸۴)

۲/ ۱۹۸۳: حاکمیت دوباره خویش، با اقدامات اقتصادی و اجتماعی رییش، کرده بود و نذر فاطمیان منزلت والایی یافته بود و اینگیه او و قیمت‌دانه در جنگ بنگ‌های زبان‌های و هوااردانشان بنی امیان اندلس - که مخالف سرمشق فاطمیان در مغرب بودند - بیماران تلاش کرده بودند و فاطمیان دوست نداشته‌اند. آسانی سیر میان خود و دشمنانشان در مغرب را از میان بردند. وی به مرور اقدامات معز برای استقلال از فاطمیان شدت گرفت و رابطه وی با خلافت فاطمی تیرهتر گردید. وی در سال ۱۳۳۳ (تیربری، ۲۰۰۱/۱۳۳۱) تماشای خود به خلافت عباسی را آتنا در کرد و مراسلاتی نیز به دربار بغداد داشت (بیک: ۱۹۸۳، سرائیج، معز در سال ۱۳۳۳ ق)


تأمینات و اثبات‌های دیگر سال ۱۲۸۳/۱۲۸۴ و ۱۲۸۵/۱۲۸۶ (ابن عذاری، بیان به: ۱۲۸۲/۱۲۸۳، ابن اتیر، ۱۲۸۲/۱۲۸۳).

اختلاف وزیر پاژوری و معاون زیری

هنگامی که ابا القاسم جراحی به سال ۱۴۳۶ قمری درگذشت، ابومحمد حسن بن علی پاژوری جانشین وزیر شد (ابن خلدون، بی‌نا: ۸/۳۱۶، ابن عازری، بی‌نا: ۳۶۸/۶۱، ابن عمامه، بی‌نا: ۴۳۶/۳، خلیفه المستنصری، را می‌آورد، تاریخ ۱۴۳۶ قمری). پاژوری از خاندان مشهور و صاحب منصبی نبود. این موضوع سبب شد برخی از درباریان و امیری حکومت فاطمیان به او باعتیا و کم توجهی نمایند. معاون وزیری نیز به وزیر جدید احترام نمی‌گذاشت و پاژوری را با عباراتی دون شان وی خطاب می‌کرد. این امر موجب خشم وزیر پاژوری گردید (ابن اثیر، ۱۴۳۶ قمری، ۱۹۸۶/۵، مقریزی، ۱۳۰۱، ۲۳۲/۶۲، از این رو، وی میان خلیفه نمی‌شد.

۱. از دوره زیرین سکارای در مجموعه موجود بریان نگهداری می‌شود. پک روی این سکه این جمله نقاش شده است: و من بی‌پایی اسلام را از جمله تنها دو کشورهای عرفانی حرف نمی‌زنم. این کشورهای عرفانی عبارتند از ایران و از ایران عرفانی از این کشورهای عرفانی، ایران می‌شود. پک روی این سکه این جمله نقاش شده است: از این رو، وی میان خلیفه نمی‌شد.

۲. مشخصه پاژور در روسیه ممثل وکلایی (ابن اثیر، ۱۴۳۶ قمری، ۱۹۸۶/۳، مقریزی، ۱۳۰۱، ۲۳۲/۶۲، از این رو، وی میان خلیفه نمی‌شد.

۳. این پاژور پاژوری چهار دیگری هم گرفت (ابن اثیر، ۱۴۳۶ قمری، ۱۹۸۶/۵۱۸/۳، از این رو، وی میان خلیفه نمی‌شد.
فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س) / 67

الموستنی و معز تفرقه افکند، اما خلیفه فاطمی هنوز به معز خوش‌بین و امیدوار بود (ابن ابی دنیار، 1993: 110 نویسی، مهاجر، ابن یاساف، 1990: 473). در آن هز می‌زیرد از طاعت فاطمیان سر تافت و
از خلیفه عباسی پیروزی کرد، پاژوری از ابن موقیت بشرت استفاده را برده و خلیفه فاطمی را به
گسل اقوام عرب به افکاری تحریک کرد (ابن خلدون، ت. 14/6 و 70/6، مقریزی، 1320/2، رویک)
اردیس، 1320/2، تا بیدن و سیلی معز یا به تعمیر (بند گس فرمانی، را مجذابات کند (مقریزی، 2001: 202/1، ابن ابی دنیار، 1395/2005: 145/1). خلیفه فاطمی نیز با طرح و تنش و روز خود به منظور از ابن بردن
حکومت صنفیان در افکار مشوقت کرد. پاژوری در سال 441 ق (یک سال پس از اعلام
استقلال زیران) به مصر علیا، میان قابلیت بینی هلال و بینی سلیم رفت و آنها را به حمله دسته‌جمعی به

حملة بین هلال و بینی سلیم و سقوط زیران

بنی هلال و بینی سلیم از بطن اعراب مقریی بودند که اطراف حجاز و نجد در بادیه زندگی
می‌کردند و به مرور در بیه هجوی قمرطان رو به شام به‌نمایید. زمانی که العزیز فاطمی بر قمرطان
چرخید، متحدان آنها از جمله بنی هلال و بینی سلیم را به مصر علیا در سابقه شرقی ترجیل و ناحیه
صبحان انقلاب داد (ابن خلدون، ت. 14/6 و 70/6: 1320/2، ابن قابلیت به مرور به معطیه برای خلفای فاطمی
تبدیل شد (همن، 146/1، مقریزی، 1995: 174/2، این ها اکتشافات و شهرنشینان منطقه را آزار و اذیت
می‌کردند و مردم از آن‌ها نفرت داشتند؛ بنابراین خلفای فاطمی در بی فرشتی بودند که خود را از
شر آن‌ها رهایی بخشند.

ورود اعراب بنی هلال و بینی سلیم به خاک مغرب امری مفید بود که دیر با زود اتفاق می‌افتد.
فاطمیان هم با رفت‌آن‌ها به مغرب مخالفی نداشتند؛ اما از ابن هراس داشتن که اگر این اقوام به
مغرب یا گزینه‌نیا، در آن‌جا به دلیل شیوع و فاطمیان تبدیل کردند و منطقه مغرب را به کنون
خطر علیه فاطمیان بدل سازند. اما هنگامی که معز از پیروی فاطمیان سر تافت و از مذهب شیعه

1 این موضوع بیانگر ارتباط نسبی خوب و وابستگی زیران و فاطمیان به هم‌دبک خان آن لحظه بوده است (خسروی، ت. 174).
دست كشيد و دعوت دشمانان اصلی فاطمیان بعنی خلافت عباسی را پذیرفت، دستگاه خلافت فاطمی چاره‌ای ندید که با گسبل بی‌نیا راه‌های سالم به سمت مغرب، از برای این اقومار مزاحم رهایی یابد و بی‌نیا را نیز به جرم مراکش ورود دعوت فاطمیان نتبه کند. از نگاه فاطمیان در این شرایط سرودن کار مغرب به اعتراض باندیشین بی‌پایان از برهم‌خیار صنایعی بوده اعلام فرامنروایی مستقل کرده بودند (ابن خلدون، بی‌تا: 14، روجی هدیه، 1992: 148/1، خصیصی احمد، بی‌تا: 66).

قبل غرب در سال 944 به افرازه هجوم آوردها و به تضرر ابن خلدون همچون ظرفی از مغلب
(ابن خلدون، همانجا) سرازیر منطقه را فرا گرفتند (ابن ایری، 1495: 4 مقریزی، 1542/1، 467/2، 678 نوی، 1839/1، 211-12: ایبی ضیاف، 1990: 130). بنی سلمی به برده و طرابلس به نارگیل، اما بین هلال و متحدان خانه بقیه مناطق افرازی را مورد حمله قرار دادند، و به مسیر عمده سرزمین‌های زبر سلطه زیبایی را تصرف کردند و همه شهرها و روستاهای غرب نمودند (ابن خلدون، بی‌تا: 3/6، 19، 149: ایبی ضیاف، 1990: 139).

معترف با دیدگاه تمام توانایی و قدرت حکومتش را برای مقابله با اعراب بنی هلال بسیار نمود (ابن خلدون، بی‌تا: 6/159 مقریزی، 1542/2، 467/2، 678 نوی) ولی ضعف ندیری حکومت صنایعی، اختلافات داخلی و خیانت متحدان و لشکریانش و مهمتر از همه جنگ‌های مذاوم میان صنایعی و زبان قدرت نظامی آنها را کاهش داده بود و نیروی نظامی خسته و بزگ‌رخی زیربان توان برخورد با جمعیت فروزان مهاجین را نداشت، هلایی‌ها در سال 949 قیروان را غارت و جاوید کردن (ابن خلدون، بی‌تا: 6/159 مقریزی، 1542/2، 467/2، 678 نوی) ولی ضعفی به مهربانی که مراکش دوم حکومت محصور می‌شد - گرویت (مرکزی، 1963: 419: ایبی ضیاف، 1990: 144: روجی هدیه، 942/1، 100/1، 372/1 و بانی عمرو را در پناه فرزندش تعمیم گذارید (ابن خلدون، بی‌تا: 6/159 نوی، 1839/1، 217/2: بنی هلال حتی مهربان را نیز محاصرا گردند و به توانسته در برای قله مستحکم مهربانی کاری پیش بردند. از این پس، دامنه قدرت بنی زیبایی از دیوارهای شهر مهربانی فرات نرفت (ابن خلدون، همانجا، 1995: V 24: 962، آنها به اجبار دوباره بی‌طرفی فاطمیان در آمدند.

1. سرائخم معین بن یادی در سال 944 در سال 55 سالگی درگذشت (ابن خلدون، بی‌تا: 149: ایبی ضیاف، 1990: 177/1).
وفاک عوامل استقلال معز زیری از فاطمیان

اعلام مذهب مالکی به عنوان مذهب رسمی جامعه اقدامی شگرف بود که حکی در زمان اقفار
اغلبیان هم صورت نگرفت. بود و معز نخستین کسی بود که این کار را انجام داد (ابن ابراهیم، 1364/9
257/3؛ این اثر، 1363/943؛ 1363). برای استقلال بایز زیری از فاطمیان و سرعتی پایین مذهب مالکی در
افزایش دانلند آورده‌اند که در زیر به مهم ترین آنها اشاره می‌شود.

رهایی از سلطه خلافت فاطمی

همان گونه که معز فاطمی گفت بود، استقلال زیری از همان ابتدای حکومتشان که واقعیت بود
که دریا ببینید رخ می‌داد (لک: متفرک، 100/2؛ روستا، 1362/1؛ خوشنویسی احمد،
بینا: 267-161 و 31). از این رو هنگامی که فاطمیان مغرب را به سوی مصر ترک کردند و حکومت
افزایش فاطمیان را به بایز زیری دلایل نداشتند، به‌طوری‌که در اصلی معرفی کردند و انظار داشتند زیریان نیز از آن‌های پرور
کنند، اما شرایط جدید حکومت فاطمیان در مصر و دیگر مشکلات خلافت، مانع از توجه دقيق و
اهتمام آزم آن‌ها در امور افزایش و مغرب شد. خلافت فاطمی در سال 1240 در دیوان آشورهای
شد که بعدها آن شام را از دست داد. پس از آن این امر به‌صورت دولتی فاطمی در میان گرفتهای
نیز به‌طوری‌که آن‌ها و درگیری‌های خونین بین ترکان و مغزی‌ها و سیاسی‌ها و مسائلی ادامه یافت. این
این اوضاع به نوعی معز را به تغییر منشی سیاسی نسبت به فاطمیان متشکل کرد.

---

1. مذهب از وقتی که به مهربانی پایه آورده، همواره با هم‌پیمانی در جنگ‌های بودن و مدت‌در مدت در برای انسن‌پایداری کردند.

(لک: ابن خلدون، بینا: 1337-81/332-1364؛ محمود ابراهیم، 1339).

معز زیری که در بی‌کسب استقلال افراپنه بود، دعوت فاطمیان را که در مصر، ترکیک و ناژر اقدامات وی بود، را کرد و در عوض دعوت عباسیان را پذیرفت که در بغداد با فرماندهی بسیار دور از افراپنه بودن، (مختارالبادی، پیدا: 1993: 12، 5: 483)؛ به این ترتیب او می‌توانست در همه امور با استقلال کامل کند و نام خلیفه عباسی را نیز تنها برای کسب مشروعیت در خطبه‌ها دکتر نماید.

گراش عموم مردم به مذهب تنن


دقیق‌ترین نتایج به تاریخ بودن‌؛ به همین سبب در جلسات فقهی حفیظان شرکت می‌کردن (ابن عذراً، ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱؛ این همان، ۱۳۸۹: ۱۳۹ و ۱۴۱).

فاطمیان تلاش فراوانی برای دعوت مردم مغرب کردند. هدفی مسی دو فاطمی و امامزاده‌ها از آن‌گاه پافشاری بر اعمال و هنگامی می‌شد که مردم بود (ابن هیثم، ۱۳۸۹: ۴۹ و ۵۰ این عذراً، بین ۱۳۸۹/۴۳۱ و ۱۳۹۰/۱۵۳-۲۴۱؛ تاریخ نمایندگی ۱۳۹۰/۴۴۹-۲۵۳).

دعاوی اسماعیلی با بهره‌گیری از ناسا امانتی رفاه اجتماعی مردم منطقه کوشیدند با هزینه کردن و دادن پول به مردم، مذهب شرع را در بین برخی‌های منطقه روان نمود. عیوب‌های مقدس دستور داد براهای آگاهی مردم از حقایق مذهب شرع، مدارسی با نام "مدارس الحکم" تأسیس کردند. او در پی آن بود که تنها منطقه را بر اساس اطلاعاتی که در اختیاره به حکومت فاطمیان نیز وفادار بودند. بنابراین این دعوت اعمالی در مغرب پیشرفت چشمگیری می‌تواند مردم نداشت. واقعیت این است که مغرب، مناسب برای نشر اصولهای باتبی خلافت فاطمی نیوست و این موضوع با روحیت قبیله ای برخی مهاجراتی ماند.

وقتی فاطمیان دیدند، با تسهیل و ترغیب و نجات ملی نمی‌توانند مردم منطقه را از مذهب اهل سنت به قول مذهب تشیع فرا بخوانند، سیاست سخت‌گیرانه و متعصبانه را در پیش گرفتند (نک: مسعودی، ۱۳۸۹: ۶۷ و ۷۷). و بر آن شدند تا مذهب شرع را بر مردم منطقه تحمیل نمایند. این پدیده دعوت اجبازی با بی تعریف منابع اخلاقی اطلاع تشیع (ابن عذراً، ۱۳۸۹/۱۵۳-۲۴۱ و ۱۳۸۹/۱۸۶) پس از ورود عیوب‌های مهدی به رقابت شدت گرفت. به گزارش منابع در اوان حکومت وی، دعاوی اسماعیلی در مسجد می‌نشستند و مردم را به مذهب اسماعیلی فرا می‌خواندند، هر کس را می‌کرد، زندانی با کشته می‌شد (ابن ابراهیم، ۱۳۹۰/۱۳۸/۴۳۱؛ مفرزی، ۱۳۹۰/۱۳۸/۴۳۱؛ همان، ۱۳۹۰/۱۳۸/۴۳۱/۱۷۹).

شرايط سخت مذهبی در جامعه سنی افوقیه (مانند تغییر احكام شرعی به‌طور مداوم) جریان می‌گذشت. اجباری به مذهب شرع و آزار و درخواست حکم‌دهی سنی و مخالفان سیاسی و مذهبی (نارضایی شده) سنی را به دنبال داشت و باعث منافعه‌ در سطحی مذهبی گردید که حکومت یک کلیه و نیمه خیزه به شخصی گوناگون ادامه پافخت (نک: ابن عذراً، ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱ و ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱، ۱۳۸۹/۴۳۱ و ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱؛ خداوند، ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱ و ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱؛ خداوند، ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱) حضور در نماز جمعه به نشانه اعتراض (ابن عذراً، ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱ و ۱۳۸۹/۱۳۸/۴۳۱)

(1) مهم ترین دلایل این مدعای است.

اظهار تشع مردم غرب در بدو ورود قاطمیان نیز امری صوری و پیشرفت رای اظهار تعمین و
نجات یافتن از عواقب سوء نافرمانی بوده است. سبب زن و مردم با آنکه از در جریان گروه
اجباری به تشع، به ظاهر تغییر مذهب داده بودند، در حقيقة سهمیه متصب بودند و عناصر
فرهنگی و پیشرفت‌های فکری و اعتقادات آن‌ها با مقضیات جدید سازگاری نداشت (بیلی، 1993).

(2) اهلی اف鏜یه که تحت رهبری فقهای خود به شدت به مذهب سنی مالکی تعصب
می‌ورزندند، از سیاست‌های زریان به عنوان ممانعت خلافت فاطمی سکوت بیزار بودند و

بر اساس متن‌های هنگامی که معز بازگشت به مذهب سنی را به‌طور رسمی اعلام کرد، اهلی
قبروان همگی این کار وی را تأیید کردن و دورانی از خصونت و سخت‌گیری مذهبی علیه شیعیان

(3) توده مردم، رجال و گروه‌های شیعه را مورد تهاجم قرار دادند و بسیاری از آنان
را به قتل رساندند. پس از قبروان سریان و غلامان معرکه از مدت‌ها پیش به دقت برگزیده شده
بودند، به هزار تن از شیعیان را کشتند و در دبیگ شرتوی افندیه نیز شیعیان از آن‌ها و کشثار

نفوذ و سرسختی علمای مالکی

افندیه شیعیان مذهب مالکی در مغرب و قبروان سرگر اصلی آن به شمار می‌رفت. منطقه افندیه در
نگاه کلی اسلامی همگی عقیده مجمع کرده و آن‌ها کوشاشند صحابه و تابعین را به این منطقه مسلمان
و به اقامت در این سرزمین ترغیب نمایند؛ از این رو تعادل بسیاری از صحابه و تابعین وارد مغرب
شدند و در قبروان مستقر شدند (خانی، بیا: 11: 12 - 13: 14). به نظر می‌رسد هدف آن‌ها نشر و گسترش
گروه شاهد رشد اسلام در منطقه و تشکیل نخستین حلقویه‌های علمای دینی در قیروان و سایر شهرهای افغانی هستیم (خشنی، بی‌تا: 24).

علمای مذهب مالکی از نفوذ و اعتبار بسیاری در میان مردم افغانی برخورد با یونان و افکار و رفتار جامعه بسیار تأثیر گذار بودند (همان، 1859: 215). از عواملی که معلولین باید را ترغیب نمود تا مذهب مالکی را به عنوان مذهب رسمی جامعه تبعیین نماید، همین جایگاه برجسته علمای مالکی و جلب نظر و حمایت آنها بود (میکس، 1369، 4، 1959، ص: 239).

با استقرار دولت قاجاری و نمایندگان آنها در مغرب (بنی‌زری)، علماء و فقهای مالکی در شرایط نامناسب قرار گرفتند. حکومت جدید از همان آغاز در پی نش مزگند قبلاً شیعه بوده و اما علمای مرسخت و انعطاف‌ناپذیر مالکی به مقاومت برعکس (2) (692/1495).

بر اساس منابع، هنگام وود ابویبدا الله شیعی به رقابه، علمای مالکی به استقبال از فرند و ابویبدا الله هم با گشاده و بی‌پناهی با آنها برخورد کرد (دریس عمار الدین، 1359، این عقدی، 1965، ص: 17-18، 317، 1989، 1/1499، 150).

ولی به سرعت پس از صدور نخستین دستور مذهبی شیعی؛ بین افراد نمی‌تواند حی طی خبر العمل، در اذان، که از نامه‌های حکومت‌های شیعه بود، موضوعی مبتنی نسبت به دولت در پیش گرفتن (قاوی، 1995، ص: 161، 1499، این عقدی، 1/150).

هنگامی که فاطمیان دریافتند پایگاه اجتماعی و نفوذ علماء و فقهای مالکی در میان مردم، آنها را از رهبری به هدف‌نماز بازمی‌دارند. کوشیدند با برگزاری مجالس بسی و مناظره‌های مبانی فقهای مالکی و داعین اسلامی، آنها را در کربا سازند (خشنی، بی‌تا: 1399، قاضی عباس، بی‌تا: 1393، 1398)، ولی بسیاری از نگرتفن (بسم، 1399، 61-62، بیلی، 1399، ص: 152). در مرحله بعد، فاطمیان کوشیدند با فشار بر علمای مالکی از مقاومت آنها بکاهند. هنگامی که عیدالله مهدی بوضوح مخالفت آمیر

---

1. برخی ممنوع سر، روایات مربوط به مقاومت علمای متخصص جوز سید بن عجیر و حیله محمود را با تفسیر و ذکر جزئیات بیان کرده‌اند (نکته مالکی، 1391، ص: 21-23، 48-48، خشنی، بی‌تا: 196، 1398، 214، 1396، دی‌ب، 126 و دی‌ب، 1499، 1393 و 1397).

2. این هیچ در مناظره‌ها و دیاب در ماه‌الا بیان به برخی از این مناظره‌ها شده‌می‌کند (نکته: دیاب، 1399، ص: 290-310). البته گاه این مناظره‌ها به نظر آزادانشانه‌نگر بودند، به جلسات تمییز عقاید و فشار و اجبار علما مذهبی مخالف برای تغییر مذهب بدل می‌شد (موسوی، 1389، ص: 75).
فقهاء معتصب مالكي روهمو شد، ديواني به نام "ديوان الجلف، ايجاد كرد تا سراؤ و زبرگان

دشمان مذهب اسلامي را، كه آشكارا با آن دشمني مورديه، شناسایي كند (ابن عداري، 2009: 152). هر چنین بسیاري از علماء و فقهاء مذهب ماليکي شناسایي و با اتحادیه نظیر انتقاد

از دولت، اقیمت از امیر، خروج عليه دولت و تفضیل برخی صحابه بر علی (ع) تحت تعقیب،


ابویکر ابن فیضٰ و ابوبکر ابن محمد الصیغی معروف به ابن یزید بودند که به فرمان ابن ابی خدیر

حاکم قیروان در مالاعظم اعدام شدند و جانشان مرده هم در معرض دید عموم بود.

در نتیجه این فشارها و استبداد مذهبی حاکم بر جامعہ، بسیاری از علمائ و زبرگان مالیکی

انزوا گریختند و از مسائل سیاسی و اجتماعی کناره گرفتند (مالکی، 1981: 246-57). بخشی از آنها همانند خشی به دربار امویان در اندلس پناه برند. به شمار اندکی از فقهاء

نیز به امید جلب خشونتی دولت فاطمی به مذهب اسلامی درآمدند. از جمله مهم‌ترین عمر

مرزی که به قاضی القضایة رزاقه رسید و به فقهای امر کرد که بر اساس فقه مذهب اسلامی

فتوه دهد. شخصیت معروف دیگر ابو عبدالله جعفری اندرود ابن هیثم از علمای نخبه قیروان است.}

علمای مالکی نفوذ بسیاری در بین توده مردم داشتند و با بهره‌مندی از این نفوذ در برای گسترش

شیعه سرسختانه مقاومت کردند؛ از این رو هیچ‌گاه رابطه خوبی نبود با حکومت زیربان بر قیروان

نکرده. فتوای شورای فقهای مالکی در سال 1337 ق در دیوانی ووجوب قیام علی فاطمیان و همراهی

1. ابن اتہام: "القادح في الدولة"، موسوم بود و عقواب سختی داشت (قاعی عیوض، بی.ت. 1370/ 2). 1930/ 2.

2. خشی در دیوان 1211 ه به دربار رفت و تا مرگش به سال 1231 ه در آنجا نموداری کرد (مالکی، 1283: 252-57). و بر این فیضی است

که چون خشی و بسیاری از علمای مالکی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و مجری ترک افرادیه شدند، لح

مطالبه در دیوانی فاطمیان، خصمانه و تحفیظ آمیر است و یک‌بار در استناد به آنها دست کرد (مالکی، 1272). 3.


4. ابن اتہام: "القادح في الدولة"، موسوم بود و عقواب سختی داشت (قاعی عیوض، بی.ت. 1370/ 2). 1930/ 2. 5.

5. ابن اتہام: "القادح في الدولة"، موسوم بود و عقواب سختی داشت (قاعی عیوض، بی.ت. 1370/ 2). 1930/ 2.
نتیجه گیری

زیربان از سال ۳۶۱ هجری به عنوان نماینده‌گان خلافت فاطمی، حکومت افریقیه را به دست آورده‌اند. از بررسی روابط سیاسی - مذهبی فاطمیان و زیربان‌های چنین استناد به می‌باشد که، روابط طرفین با وجود ظاهر مناسب، دوست‌داشت و صادقانه‌تر بوده و بیشتر بر نوع تاثیر و راهبرد سیاسی

متمرکز بود.

فاطمیان برای کنترل شورش‌های مغرب و راه‌پیمای از حملات بربری‌ها منطقه‌ای که از سوی امیان اندلس حمایت می‌شده، به کمک زیربان نیاز داشتند. از این رو می‌کوشیدند در صورت پیروی ول و ظاهری – زیربان، برحیث خلافت فاطمیان در آن حمايت گردیده و با ارسل هدایا و خلع‌ها و لقب‌های بر طول‌طرح، امراز زیربان را به ادامه پیروی از خلافت فاطمی دلخوش کنند. از سوی دیگر، از توسعة قدرت زیربان نیز به‌می‌کنند و از آن جلوگیری می‌کرده.

پیروی زیربان از فاطمیان هم خلاقانه و از روی ارادت مذهبی نبوده است. آن‌ها برای مشروطت حکومت‌خوی هم خلافت فاطمی‌نیازمند بودند؛ از این و می‌کوشیدند اطاعت ظاهری خود را نسبت به خلافت فاطمیان حفظ کنن. آن‌ها در همه امور مستقل بودند و حتی تعیین امیر نیز ابتدای توسط خود زیربان انجام می‌شد و خلافت فاطمی‌نیز تأیید می‌کرده.

سراج‌العالی، فضایی است که اعتمادی میان فاطمیان و زیربان، به درگیری میان طرفین انجامیده و معز زیربان (چهارمین امیر زیربان) در سال ۳۶۱ هجری از فاطمیان اعلام استقلال کرد و به مذهب اهل سنت گروید. در این تغییر سیاست مذهبی چند عامل مؤثر بود:
- جزاي مردم افريقية به مذهب اهل سنت؟
- نفوذ علماء مذهب ملكي به ویله در قیروان؟
- استقلال طلبی زیربان؟
و مشغول شدن قاطمینان در مصر به امور خود و نظرات دقیق دنیاشن بر مغرب.
استقلال زیربان از قاطمینان، برای آنها ناخوشایند و زیانبار بوده، چرا که قاطمینان، عرب‌های بین هلال و بین سلم به سوی آنها فرستادند و بیدین تربیب، زمین‌های سقط حکومت زیربان را فراهم کردند.

ماناب
-ابن اثیرعزالدینعلي(1386).الکاملفنتاریخ.پیروت:دارصدر.
-ابن تغیربردهوجمالالدینابیالمحتاسیوسف(یبتا).النجومالزهرهفیملوكمصروقاهره.قاهره:وزارهالثقافةوالارشادالقومیالمسئولهماصرعهالعامة.
-ابنخلکان(1364ق).وفياتالامامونابیاتالزمان.طبعهالاثنی.تحقیقاحسانعباس.
-قم:メンشوراتالشريفالرضی.
-لیفيبرونسالپیروت:دارالکتبالعلمیه.
- عبد الوهاب، محمد. (بيتا). سخرية في خبره الجامع.
- عبد الوهاب، احمد محمد. (بيتا). سخرية في خبره المعيه.
- العربي، اسسلا (بيتا). عواصم بني زيري ملوك اشياء القائمة بياجاه غرناطة الفهدية.
- بيروت: دارالداند العربي.
قارئ عملي (ي. ت.): تحقيق احمد بكير محمود. بيروت: نادي الكتاب العلمي.

قارئ عملي (ي. ت.): رسالة افتتاح الدعوة. بيروت: نادي المكتبة العلمية.

فلقشدي، ابن العباس الاحمد بن علي (ي. ت.): حفظ الله وغفران الله، قهراه: وزاره الثقافة والأرشاد القومي.

المؤسس المصري العام.

قثبال، موسى (ي. ت.): دور كتابه في تاريخ الخلافة الفاطمية الجزائر.

مالكي، أبو بكر عبد المطلب محمد (ي. ت.): رياض النفع في ثلاثين علماء الفقهاء وافقين.

النفسي، تحقيق بشير الكوش ومحمد الروسي المطر. بيروت: دار المغرب الإسلامي.

محمد إبراهيم عز.hpp (ي. ت.): نزاعات وخلافاتهم السياسية بالقوى الإسلامية في حوض البحر المتوسط (361-362 هـ). قهراه: مكتبة الأزهر المصرية.

مختار العبادي، احمد (ي. ت.): في التاريخ الإسلامي والخليفي، بيروت: نادي الكتاب العلمي.

مراشي، عبد الواحد (ي. ت.): تعلم في تحليل أخبار المغرب، تحقيق محمد سعود العريان. قهراه: الكتاب الثالث.

مقريزي، تقي الدين أحمد، علي (ي. ت.): المبادئ والاعتبارات في ذلك المطلب والآثار.

به كوش شهير اليمامة. بيروت: نادي الكتب العلمية.

مقريزي، تقي الدين أحمد، علي (ي. ت.): انعكاس الجنس باختصار المناسبين الخلفاء، تحقيق محمد عبد القادر احمد. بيروت: نادي الكتب العلمية.

موسو، مجدال ونكار ديلاه (ي. ت.): سياست فاطميات دين قبائل جنوب شرق دورة دعوت وشكل جسرية دولية، نيسان 1981. تيموناس تاريخ وتمدن اسلامي. دانشگاه آزاد اسلامی.

واحد عموم وتحقيقات. ش. 11.

مونس، حسن (ي. ت.): تاريخ وتمدن مصدر. ت. نهران: سومت.

نوربي، شهاب الدين احمد بن عبد الوهاب (ي. ت.): نهاية الدرب في فنون الادب، تحقيق حسن نصار. قهراه: المكتبة العربية.

هيكست، مورين (ي. ت.): أشرف اسلام في غرب آفرقة. ترجمة احمد نمايي ومحمد تقني، اكبرى، مشهد: نباد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوی.

